

سلام افلاک

ی. سعید



دانشگاه قم

## دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تضریب در متون نثر تاریخ بیهقی، کلیله و دمنه و مرزبان نامه

استاد راهنما:

دکتر محمد رضا یوسفی

استاد مشاور:

دکتر محمد فولادی

نگارنده:

سید حسین مرتضوی نجف آباد

مهر ماه ۱۳۸۶

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۵

روز اطلاعات و کتابخانه ملی  
موسسه اسناد و کتابخانه ملی

۱۰۲۴۹۷

تقدیم به؛

حضور مقدس ولی عصر ( عج )

و همسر خوب و مهربانم که در نگارش

این پایان نامه ، صبر نوشید و سکوت آفرید

تا مرا مشغله برنیاید.

## سپاس

باسپاس از استادان دانشکده ادبیات و علوم

انسانی دانشگاه قم که هرگز خاطرات خوش و افتخار

دو سال شاگردی در محضرشان را فراموش نمی کنم

خاصه حضرات استاد دکتر محمد رضا یوسفی و

دکتر محمد فولادی که با راهنمایی های خود،

بیش از همه برگردنم حق دارند.

## چکیده :

تضریب یا سخن چینی یکی از رذایل اخلاقی است که در کتاب های دینی و ادبی ما مورد نکوهش قرار گرفته است . در میان کتب ادبی کتاب هایی از قبیل تاریخ بیهقی ، کلیله و دمنه و مرزبان نامه داستان ها و وقایعی دارند که به طور مبسوط و مفصل ، به شرح این رذیله پرداخته اند .

این تحقیق به بررسی و تحلیل داستان ها و سیر آن در سه قرن پنجم تا هفتم هجری قمری می پردازد و سعی بر آن دارد تا علتی برای پرداختن نویسندگان به این موضوع آن هم در سطح گسترده پیدا کند . علاوه بر این از آیات و احادیثی که در قرآن و کتاب های دینی ما آمده است استفاده شده تا دراهمیت و پیشینه تحقیق تاکید شده باشد . همچنین این تحقیق به دنبال این سوال می گردد که به چه دلیل نویسندگان کتابهای مورد نظر داستان های خود را به صورت تمثیلی و نمادین نوشته اند . در پایان با مقایسه هر سه کتاب با یکدیگر نتایج بدست آمده را شرح می دهد .

کلید واژه ها : تضریب ، سخن چینی ، نام ، سعایت ، تاریخ بیهقی ، کلیله و دمنه ، مرزبان نامه .

## فهرست

صفحه	عنوان
	فصل اول
۱	مقدمه
۵	معانی و مترادفات تضریب
۷	انواع تضریب
۸	اقسام سخن چینی
	فصل دوم
۱۱	تضریب و سخن چینی در آیات
۱۶	تضریب و سخن چینی در احادیث و روایات
۱۸	وظیفه انسان در برابر سخن چینی
۱۹	ریشه های درونی سخن چینی
۲۲	پیامدهای زشت سخن چینی
۲۶	پیامدهای آخرتی سخن چینی
۲۸	راههای درمان سخن چینی

## فصل سوم

۳۱	تاریخ بیهقی
۳۲	داستان آلتونتاش
۳۴	تضریب دوم
۳۸	تحلیل داستان آلتونتاش
۴۳	داستان حسنک وزیر
۴۳	تحلیل داستان حسنک وزیر
۴۶	داستان سپاه سالاران اریارق و غازی
۴۷	فرو گرفتن سپاه سالار غازی
۴۹	تحلیل داستان سپاه سالاران اریارق و غازی
۵۱	نتیجه گیری فصل

## فصل چهارم

۵۳	کلیله و دمنه
۵۴	تحلیل شخصیت‌های نمادین داستانها
۵۵	خلاصه داستان کلیله و دمنه
۶۱	بازجست کار دمنه
۶۵	تحلیل داستان کلیله و دمنه
۶۹	داستان شیر و شغال
۷۲	تحلیل داستان شیر و شغال
۷۶	نتیجه گیری فصل

## فصل پنجم

۷۸	مرزبان نامه
۷۹	متن کتاب و داستان ها
۷۹	خلاصه داستان مرزبان نامه
۸۱	تحلیل داستان مرزبان نامه
۸۳	داستان مرد طامع و نوخره
۸۴	تحلیل داستان مرد طامع و نوخره
۸۶	داستان روباه و بط
۸۸	تحلیل داستان روباه و بط
۸۹	داستان ((دادمه و داستان))
۹۳	تحلیل داستان ((دادمه و داستان))
۹۶	داستان موش و گربه
۹۷	تحلیل داستان موش و گربه
۱۰۰	داستان شتر و شیر پرهیز گار
۱۰۶	تحلیل داستان شتر و شیر پرهیز گار
۱۰۹	نتیجه گیری فصل
۱۱۰	نتیجه گیری کلی فصل ها
۱۱۲	منابع و مأخذ



## مقدمه

سپاس خدا را که زبان دوستان و اولیای خویش را از سخنان بیهوده : غیبت و سخن چینی پاک ساخت و دل آنان را از اخلاق بد و ناپسند و صفات نکوهیده وارسته گردانید . درود و رحمت بی پایان بر پیامبر برگزیده ی او که آورنده شریعت توحید و آیین استوار است و درود و سلام بر خاندان پاک و والا مقامش ، آنان که در راه او قدم گذاشته و از روش های او آگاهانه پیروی کردند و خود را از رذایل اخلاقی مصون داشته ، و به زیور مکارم اخلاق آراستند .

## بیان مسئله

تضریب ، غیبت و حسد از رذایل اخلاقی هستند که متأسفانه از گذشته تاکنون گریبانگیر جامعه انسانی بوده و آسیب های آن متعاقباً به مردم آن جامعه و اجتماع رسیده است . زیرا دو نیروی « شهوت » و « غضب » که ریشه اصلی این رذایل هستند ، از آغاز خلقت با انسان همراه بوده و موجب انجام بسیاری از گناهان گردیده است .

در راستای این ضرر و زیان تاریخی سفارشها و راهنمایی هایی توسط خداوند به پیامبران و رهبران دینی داده شده است که در کتب دینی شاهد آن هستیم . ادبا و دانشمندان نیز به نوبه خود با قلم شیوا و شیرین خویش ، داستان ها و حکایاتی را برای فهماندن هر چه بهتر عواقب این رذایل نقل کرده اند . خوشبختانه کتابهای ادبی ما در بیان و حل این موضوع و ارائه راهکارهایی به زبان داستانی بسیار موفق بوده اند . و داستانهای زیبا و آموزنده ای را در مورد تضریب و سخن چینی نقل کرده اند که خواننده با مطالعه آنها متوجه ی عواقب سوء این رفتار ناپسند می شود .

## پیشینه ی تحقیق

کتاب های بزرگی از قبیل : تاریخ بیهقی ، کلیله و دمنه ، سند باد نامه ، مرزبان نامه ، کیمیای سعادت ، احیاء العلوم ، اخلاق ناصری و ... از جمله کتاب های ادبی هستند که به این موضوع پرداخته اند . و در بعضی موارد چندین فصل و باب را از کتاب های خود به این موضوع اختصاص داده اند . از سوی دیگر کتب دینی ، علاوه بر قرآن ، نهج البلاغه ، اصول کافی ، مستدرک الوسائل ، وسایل الشیعه ، کشف الریبه شهید ثانی ، بحار الانوار و ... اشاره هایی به عواقب دنیوی و اخروی این موضوع داشته اند . که از میان کتب ادبی ، کتابهای تاریخ بیهقی ، کلیله و دمنه و مرزبان نامه انتخاب و در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته شده است .

پرداختن به موضوع تخریب و سخن چینی و تحلیل داستان هایی که در این کتب آمده است ، در دوران معاصر بکر و دست نخورده باقی مانده است . و اگر هم کتابهایی در مورد تخریب و سخن چینی نوشته شده است فقط از بعد معنوی و دینی بررسی شده است . و برای تحلیل و تأثیر بهتر آن از داستان های ادبی که در کتابهای یاد شده آمده است بهره و استفاده ای نبرده اند .

## اهمیت پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش زمانی مشخص می شود که به وظیفه اصلی علم ادبیات که آموزش اخلاق صحیح زندگی به انسانهاست ، پی ببریم . لذا اینجانب با مطالعه این کتاب ها تصمیم گرفتم تا تمام این داستان ها را در کنار بعد معنوی و دینی آن یکجا جمع کنم و حاصل تحقیق را به صورت رساله ای در آورم تا عامه مردم ، که توانایی درک و خواندن کتابهای سخت ادبی را ندارند به صورت آسان و یک جا با این داستان ها آشنا شوند و در زندگی روزمره خود به کار ببرند .

## سوالات تحقیق :

اما سؤال ها و فرضیه هایی که برای انجام این تحقیق به ذهن می رسد این موارد است :

۱- علت اصلی پرداختن به تخریب در این کتابها چه بوده است ؟

۲- نحوه برخورد پادشاه یا فرد شنونده نسبت به این موضوع چگونه بوده است؟

۳- تخریب های درباری بیشتر بوده اند یا تخریب های مردمی؟

۴ - پایگاه اجتماعی مضربان و سخن چینان چه بوده است؟

۵ - کدام داستان ها به نتیجه رسیده است و در کدام یک سخن چین به هدف خود

نرسیده است؟

۶ - تحلیل شخصیتی داستان هایی که به نقل از حیوانات روایت شده چیست؟

۷ - چرا بعضی از داستان ها به زبان حیوانات و بعضی دیگر به زبان مردم سرزمین

های دیگر روایت شده است؟ (مثلاً هندوستان)

۸- آیا خفقان حاکم بر آن دوران موجب بوده است یا برای فهم بیشتر خوانندگان روی

به این شیوه نویسندگی آورده اند؟

۹ - تخریب در این سه قرن مورد بررسی، چه سیری داشته است؟

۱۰ - آیا در قرن شش و هفت هجری قمری، اوضاع و جو سیاسی حاکم بر آن دوران

حکم کرده است که کتاب های «کلیله و دمنه» و «مرزبان نامه»، نمادین و تمثیلی نوشته

شود یا علت دیگری موجب بوده است؟

۱۱- در مقایسه این سه کتاب با یکدیگر به چه نتیجه ای می رسیم؟

مجموعه ی این عوامل مرا بر آن داشت تا موضوع رساله خود را در این زمینه انتخاب

کنم. تا شاید بتوانم به نحوی، ذره ای از عواقب سوء دنیوی و اخروی آن را برای دوستان عزیز

و خوانندگان این رساله بیان کنم.

و من الله توفیق

# فصل اول

## کلیات

## معانی و مترادفات تضریب:

تضریب در فرهنگ های لغت به معانی متفاوتی آمده است. علامه دهخدا به نقل از فرهنگ های متفاوت در ذیل کلمه تضریب، علاوه بر معانی: بخیه زدن به جامه<sup>۱</sup>، زدن کسی را<sup>۲</sup>، نوشیدن شیر دوشیده ی بعد آبستن<sup>۳</sup>...، به معانی: میان قومی را بهم آوردن<sup>۴</sup>، بر آغالیدن و سخن چینی کردن<sup>۵</sup>، برانگیختن و برآغالیدن<sup>۶</sup>، بر انگیختن و دشمنی انداختن میان دو کس<sup>۷</sup>، اشاره کرده است که این معانی دوم مد نظر ما است.

اما تضریب در اصطلاح عامه همان سعایت و سخن چینی است که به معنای بیان سخنان گفته شده در باره کسی، به خود او یا اندیشه بد در حق او است. به این معنا که به وی بگویند: فلان شخص چنین گفته و درباره ی تو چنین می اندیشیده است. و سخن چین به کسی می گویند که سخن فردی را به کسی که مطلب در باره او گفته شده برساند.

غزالی در «احیاء العلوم» در تعریف سخن چینی می نویسد:

«بدان که اسم «سخن چینی» در اکثر بر کسی اطلاق کرده شود که سخن دیگری را به کسی رساند که در حق او گفته باشد، چنانکه گوید: فلان تو را چنین و چنین

---

۱. ناظم الاطباء

۲. منتهی الارب، ناظم الاطباء

۳. منتهی الارب

۴. تاج المصادر بیهقی، مجمل اللغة

۵. منتهی الارب، ناظم الاطباء

۶. آنندراج

۷. اقرب الموارد

می گفت . و سخن چینی بدین مخصوص نیست ، بل حد آن کشف چیزی است که کشف آن مکروه باشد ، خواه نزد آنکه از او نقل کند ، و خواه نزد آنکه بدو نقل کند ، و خواه نزد ثالثی .  
( ابوحامد محمد غزالی ، احیاء العلوم الدین ، ص ۳۱۰ )

معانی و مترادفات تضریب بسیار است و در کتابهای مختلف دینی و ادبی به شکلهای متفاوت آمده است :

نمّامی ، خبر کشی ، غمازی ، سعایت ، سخن چینی ، واشی ، وشایت ، ضراب ، همّاز ، نمّاس ، نمّال ، لمّاز ، زراع ، مؤّاتی ، دوبه هم زن ، نموم ، ساعی ، قتّات ، بائع همه از مترادفات تضریب هستند که در کتب مختلف دینی و ادبی آمده اند .

( لغت نامه دهخدا ، زیرکلمه نمّام )

نمام : کسی که آنچه از دیگران درباره کسی بشنود ، به او بگوید .

( لغت نامه دهخدا ، زیرکلمه نمّام )

سعایت : بدترین انواع سخن چینی سعایت است و آن عبارتست از سخن چینی نزد کسی که از او بیم ضرر و اذیت باشد . مانند سلاطین ، حکام و امراء .

( نراقی ، معراج السعاده ، ص ۴۲۰ )

نگهبانی و صیانت از گفتار دیگران ، به معنای باز نگفتن آن نزد دیگران است و سخن چینی به معنای باز گفتن سخن دیگری نزد کسانی است که مطلب در باره آن ها گفته شده است . البته « نیمیمه » مفهومی گسترده تر از این دارد و فقط به باز گفتن سخن افراد محدود نمی شود . زیرا ممکن است حرکت و عملی در باره شخصی بدون آگاهی او انجام شود و کسی این عمل را برای او بازگوید . یعنی سخن چین نزد او رفته او را از عمل انجام شده آگاه کند . بیان گفتار یا رفتاری دیگری ، گاه با لفظ انجام می شود و گاه از راه اشاره یا نوشتن یا رفتاری خاص به فرد مقابل فهمانده می شود که این هم از مصادیق « نیمیمه » است .

## انواع تضریب

الف . تضریب های درباری

ب . تضریب های مردمی

تضریب های درباری اغلب حول محور قدرت و مقام می چرخند و بیشتر به خاطر حسادت به جاه و مقام و یا ترس از دست دادن آنها هستند . ولی تضریب های مردمی ، بیشتر به خاطر هدفها و غرایض شخصی است .

تفاوت دیگر تضریب های درباری با تضریب های مردمی در این است که : آسیب تضریب های مردمی دامنه کمتری دارد و قسمت محدودی از جامعه را در بر می گیرد . مثلاً در حد یک یا چند نفر . ولی تضریب های درباری با یک جامعه سرکار دارد و آسیب های آن به تمام محدوده ای که آن شخص ( چه مضرّب و سخن چین و چه فرد مظلوم و حتی پادشاه یا فرد شنونده ) در ارتباط است می رسد . مثلاً اگر بواسطه حسادت یک سخن چین ، وزیر لایقی قربانی شود و یا از کار بر کنار شود ، علاوه بر خودش تمام زیر دستان ، غلامان ، اقوام و نزدیکان او و حتی در بعضی موارد هم شهری های او قربانی آن می شوند . نمونه واقعی آن را می توان در ماجرای خوارزمشاه و اریارق و غازی و ... در تاریخ بیهقی مشاهده کرد<sup>۱</sup> .

علاوه بر این در بسیاری از کارهای دولتی خلل وارد می شود و چه بسا کار های نیک و مفیدی که آن وزیر لایق می توانست انجام بدهد ولی دست او از آن کوتاه گردید . کسانی مانند امیر کبیر که قربانی سعایت درباری شدند .

## اقسام سخن چینی

سخن چینی را می توان به سه نوع مهم تقسیم کرد: گفتاری ، نوشتاری و اشاره ای .

---

<sup>۱</sup> . در تاریخ بیهقی در جریان فرو گرفتن اریارق و غازی پس از فرو گرفتن آنها شورشی توسط نزدیکان آنها صورت گرفت که با وعده و وعید دست از جنگ برداشتند . اما پس از آن ، یکی یکی فرو گرفته شدند . همچنین در جریان فرو گرفتن خوارزمشاه بعد از ناکامی ، تصمیم گرفته شد بوسهل را قربانی این جریان کنند و به این دلیل ، او و تمام دارایی ها و اقوام و غلامانش را فرو گرفتند .

نقل گفتار یا رفتاری دیگران به هر یک از سه شکل پیش گفته ممکن است . سخن

چینی را از جهت موضوع به اقسام ذیل نیز می توان تقسیم کرد:

### ۱- نقل گفتار

گاه سخن چین آن چه را دیگران گفته اند نقل می کند .

### ۲- نقل رفتار

گاه آن چه را انجام داده اند نقل می کند .

### ۳- نقل پندار

گاه از آن چه در دل می گذرانند حکایت می کند . که اکثر تضریبه‌های درباری از این

نوع هستند .

غزالی در این مورد می گوید :

« و کشف به گفتن باشد یا به نوشتن یا به رمز یا به اشارت ، و مکشوف از اقوال باشد

یا از اعمال ، و از عیب و نقصان باشد یا نباشد ، این همه یکسان است » .

( ابوحامد محمد غزالی ، احیاء العلوم الدین ، ص ۳۱۰ )

دامنه سخن چینی نقل معایب و نقیصه های گفتاری و رفتاری و پنداری دیگران را هم

در بر می گیرد به این معنا که سخن چینی فقط حکایت اموری را که عیب نیستند در بر

نگرفته بلکه نقل هر چیزی را که عیب یا نقص پنداشته شود نیز در بر می گیرد . برای نمونه گاه

سخن چین گفتار راست دیگران و گاه گفتار دروغ ایشان را نقل می کند و روشن است که با

نقل گفتار دروغ ، شنونده به دروغگویی آن شخص پی می برد که در این موارد گناه سخن

چینی با غیبت همراه است . سخن چینی گاه به انگیزه زیان رساندن به فردی که از او حکایت

می شود انجام می گیرد که این رفتار به شکل معمول نزد قدرتمندان صورت می پذیرد و گاه

چنین انگیزه ای در کار نیست که نوع اول را سعایت می نامند .



سخن چینی گاه یک سو داشته، فقط از یک طرف برای دیگری نقل می شود و گاه دو طرف دارد که از آن به «دو به هم زنی» یا «افساد بین الناس»<sup>۱</sup> تعبیر می کنند به این معنا که سخن چینی برای بر هم زدن رابطه دو نفر، سخن هر کدام را برای دیگری نقل می کند.

---

<sup>۱</sup>. مجتبی تهرانی، اخلاق الاهی(تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱)، ص ۳۰۳

## فصل دوم

تضریب و سخن چینی در

آیات و احادیث

## تضریب و سخن چینی در آیات و روایات

### سخن چینی در آیات قرآن:

سخن چینی در آیات به شدت نکوهیده ، و در مقایسه با دیگر رفتارهای ناپسند ، از زشت ترین آنها شمرده شده است . خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید :

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ<sup>۱</sup> :

« وای بر هر عیب جوی سخن چین » .

که سخن چین (هُمَزَه) در کنار غیبت کننده (لُمَزَة) آورده شده است. و در احیاء العلوم

آمده است :

« هُمَزَةٌ » سخن چین را گویند . و گفت « حَمَالَةُ الْحَطَبِ » . و بدان زن ابولهب را

خواست که سخن چین بود ، و حدیث را حمل کردی و به دیگری رسانیدی » .

( ابوحامد محمد غزالی ، احیاء العلوم الدین ، ص ۳۱۶ )

و به پیامبر اکرم (ص) در سوره قلم، چنین خطاب می شود:

وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ هُمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِيمٍ مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ<sup>۱</sup> :

۱ . سوره همزه ، آیه ۱

«و تو هرگز اطاعت مکن احدی از منافقان دون را که دایم (به دروغ) سوگند می‌خورند. و آن کس که دایم عیبجویی و سخن‌چینی می‌کند. و خلق را هر چه بتواند از خیر باز می‌دارد و به ظلم و بدکاری می‌کوشد».

« وَ لَا تَطِيعُ كُلَّ حَلْفٍ مَّهِينٍ »

«اطاعت از هر کس که بسیار سوگند یاد می‌کند و پست است مکن». «حلاف» به کسی می‌گویند که بسیار قسم می‌خورد، و برای هر کار کوچک و بزرگی سوگند یاد می‌کند، و معمولاً اینگونه افراد در سوگندهای خویش صادق نیستند.

«مهین» از «مہانت» به معنی حقارت و پستی است و بعضی آن را به معنی افراد کم فکر یا دروغگو یا شرور تفسیر کرده‌اند.

هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ .

سپس می‌افزاید: «کسی که بسیار عیب جو و سخن‌چین است».

«هماز» از ماده «همز» (بر وزن طنز) به معنی غیبت کردن و عیب‌جویی نمودن است.

«مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ» کسی است که برای بر هم زدن و افساد در میان مردم و ایجاد خصومت و دشمنی رفت و آمد می‌کند (باید توجه داشت که این هر دو وصف به صورت صیغه مبالغه آمده که از نهایت اصرار آنها در این کارهای زشت حکایت می‌کند)<sup>۲</sup>.

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

«کسی که بسیار از کار خیر جلوگیری می‌کند، و تجاوزگر و گنهکار است». نه تنها خود کار خیری نمی‌کند و راه خیری ارائه نمی‌دهد، بلکه سدی است در مقابل خیر و برکت دیگران، بعلاوه انسانی است متجاوز از حدود الهی و حقوقی که خدا برای هر انسانی تعیین

۱. سوره قلم، آیه ۹، ۱۰، ۱۱

۲. در تفسیر «کشف الاسرار و عدة الابرار» جلد دهم، صفحه ۱۹۱ در تفسیر این کلمات می‌خوانیم:

(هَمَّازٍ يَغْتَابُ النَّاسَ وَيَعِيْبُهُمْ بَمَا لَيْسَ فِيْهِمْ، وَيَقَعُ فِيْهِمْ مِنْ وَّرَائِهِمْ.

مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ اِى- قَتَاتٍ يَسْعَىٰ بِالنَّمِيْمَةِ بَيْنَ النَّاسِ لَلْاِفْسَادِ، وَ فِى الْخَبْرِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٍ. وَ النَّمِيمُ جَمْعُ نَمِيْمَةٌ، وَ قِيلَ: النَّمِيمُ وَ النَّمِيْمَةُ وَاحِدٌ وَ الْاِسْمُ التَّمَامُ.